



START

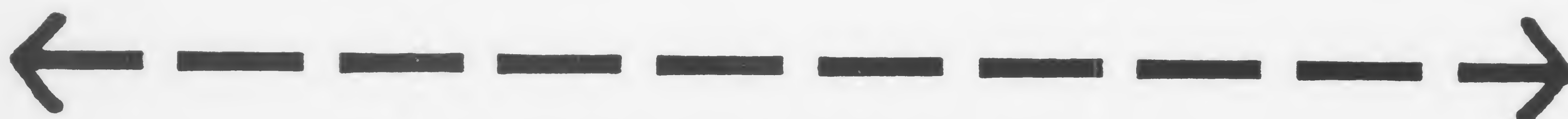


REEL 99



Microfilmed 1990

**University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804**



6 inches

Reduction Ratio 11:1



UCLA Reprographic Service



**National Preservation Program for
Biomedical Literature:**

**Preservation of Persian and Arabic
Medical Manuscripts**

**Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles**

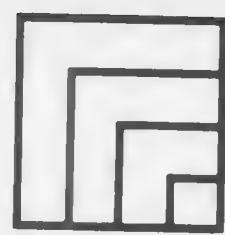
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

**The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may be illegible
due to:**

**Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink**

**Red and purple within the
manuscripts may appear paler.**

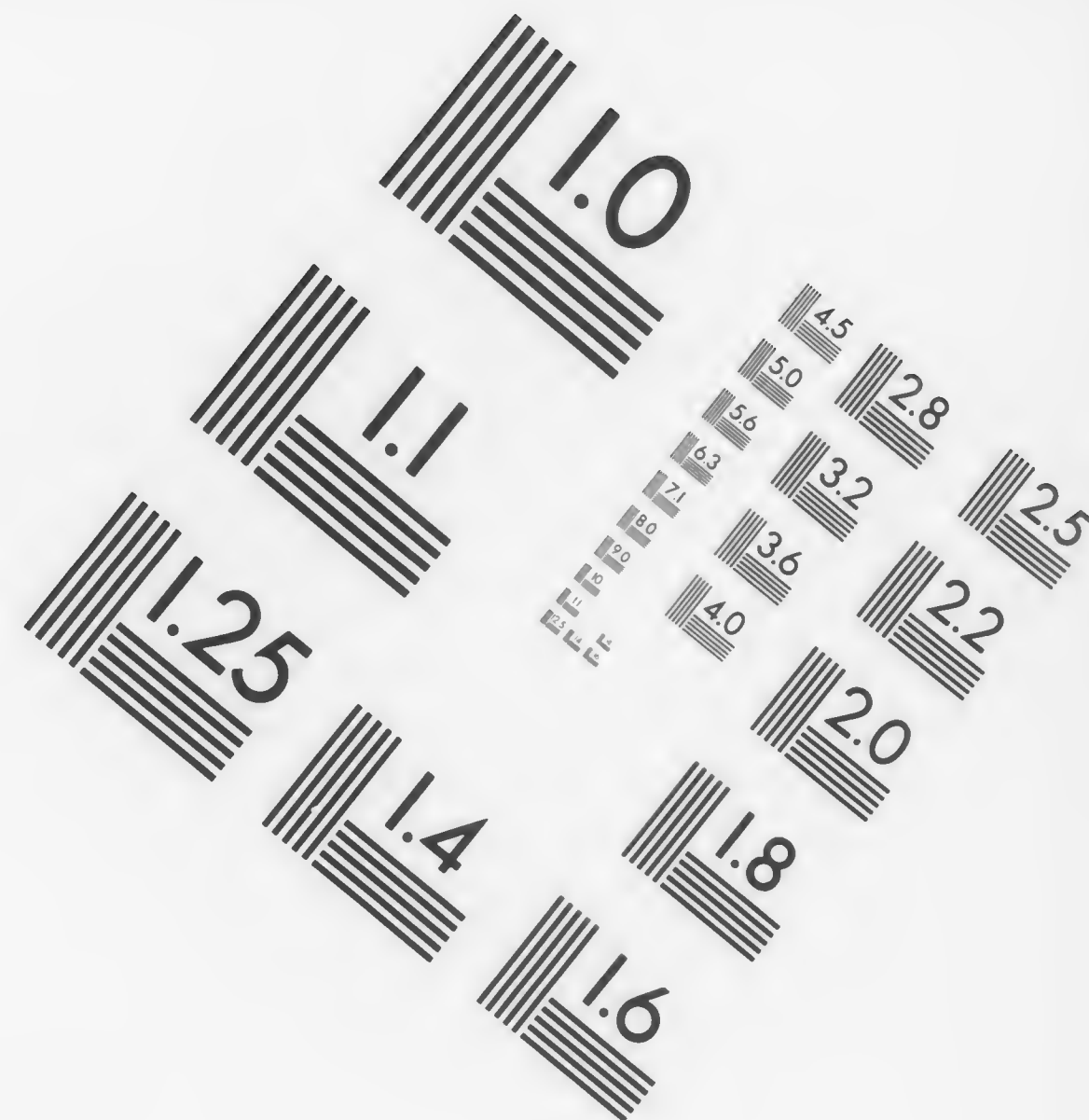
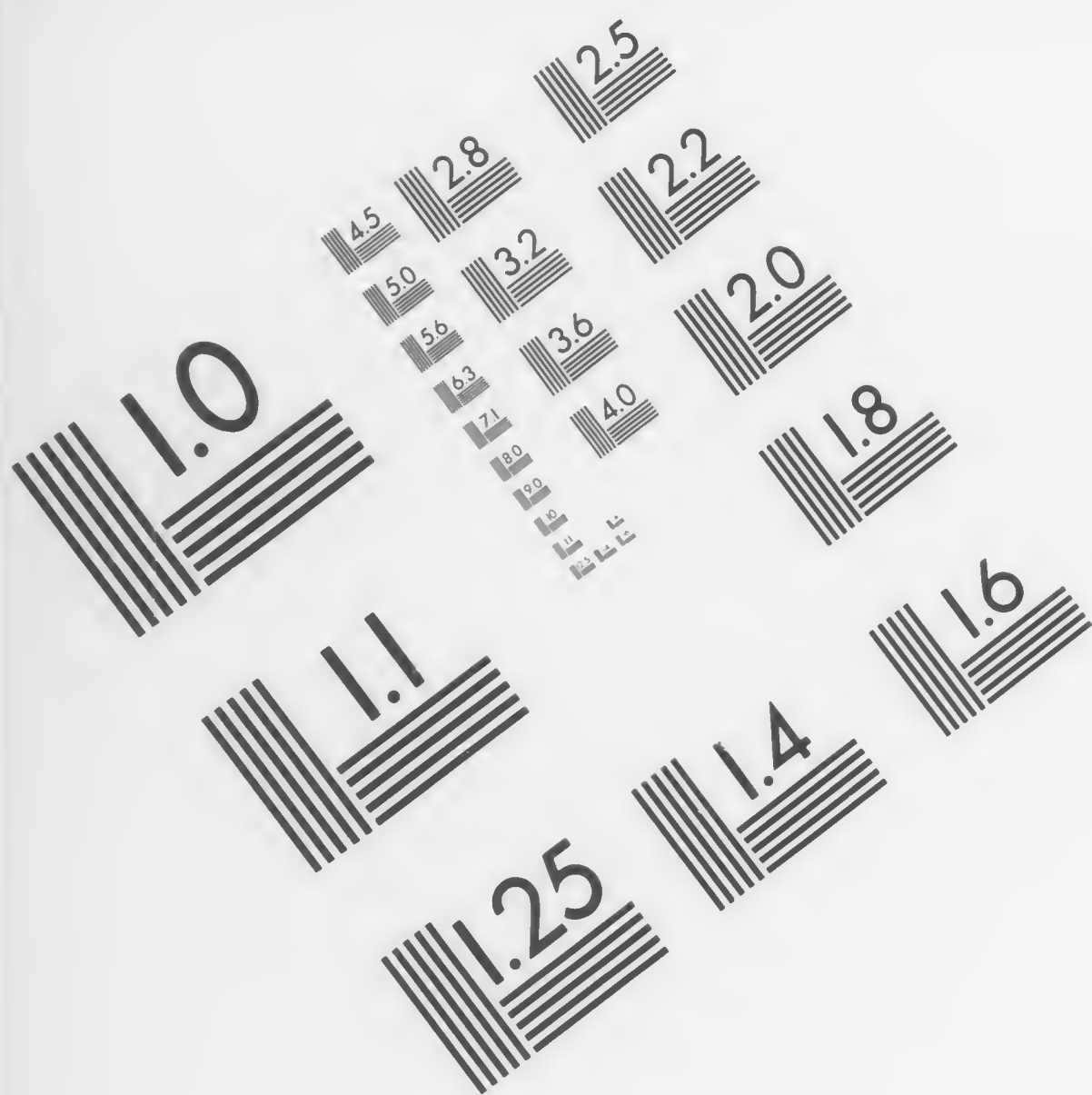


AIIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

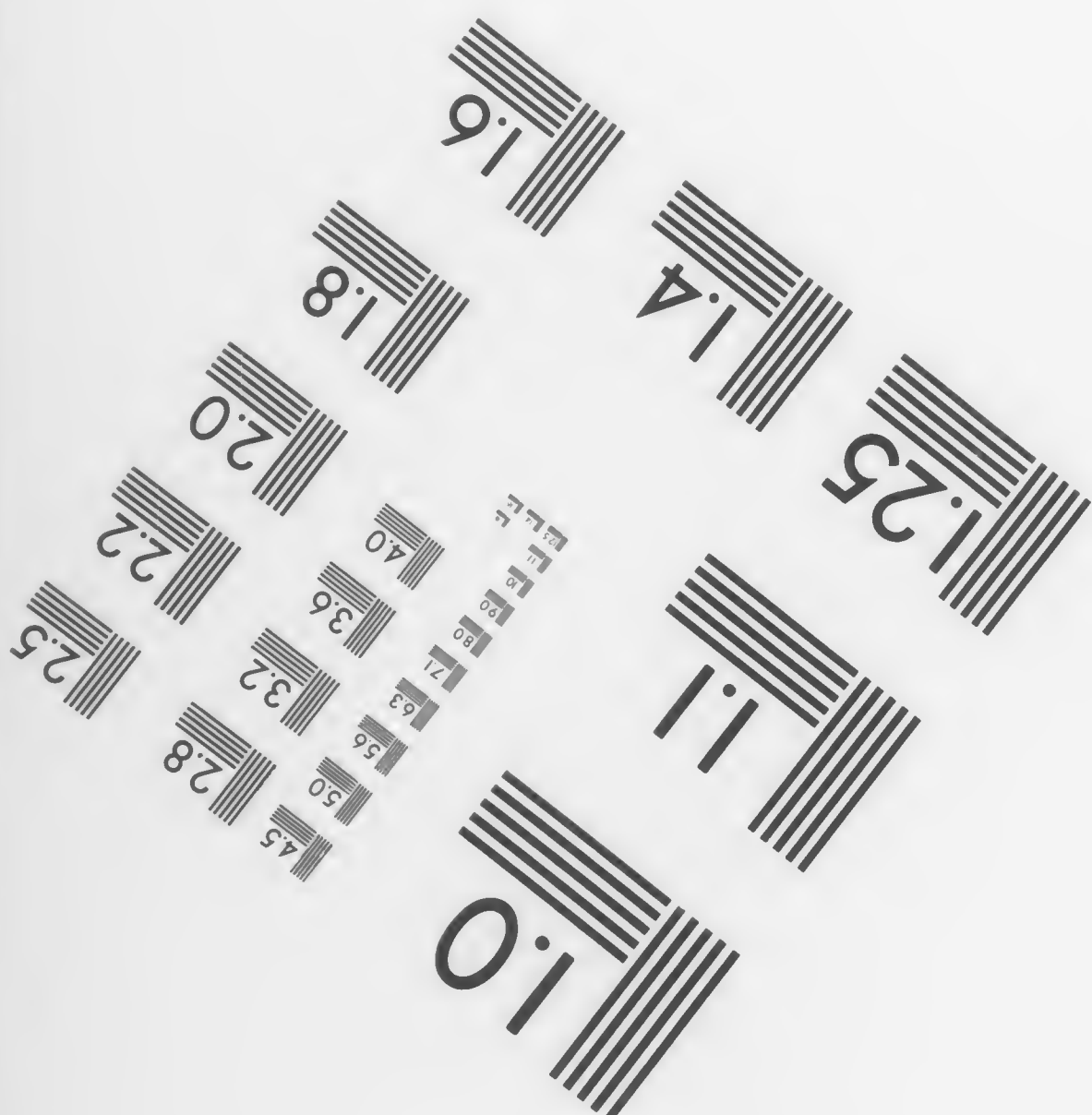
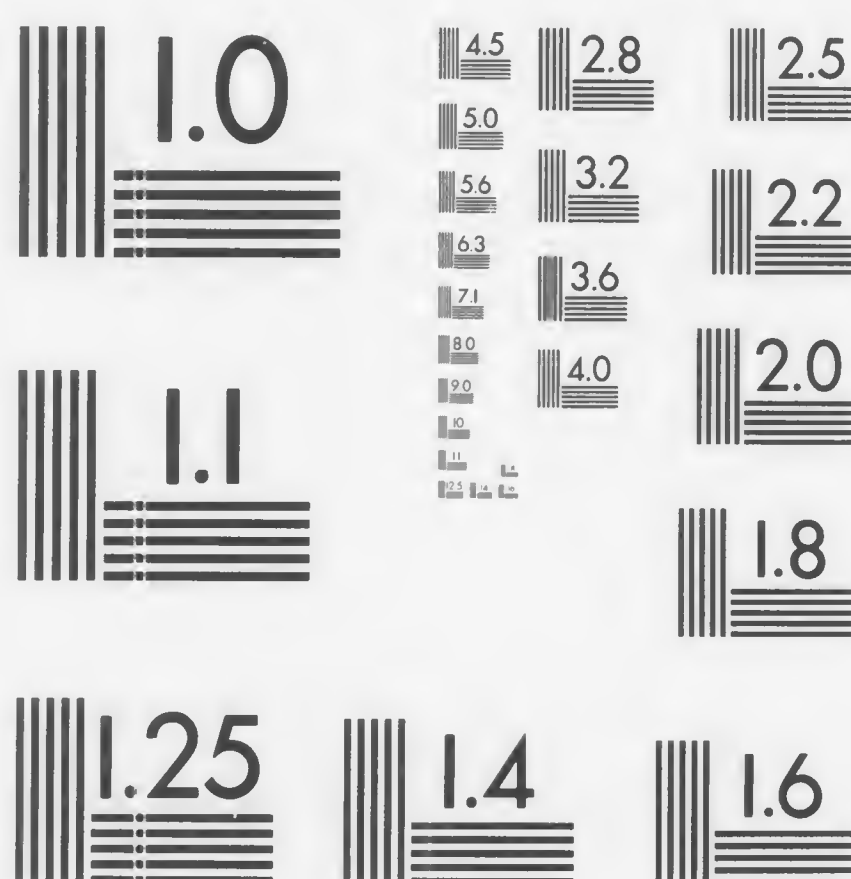


MS303-1980

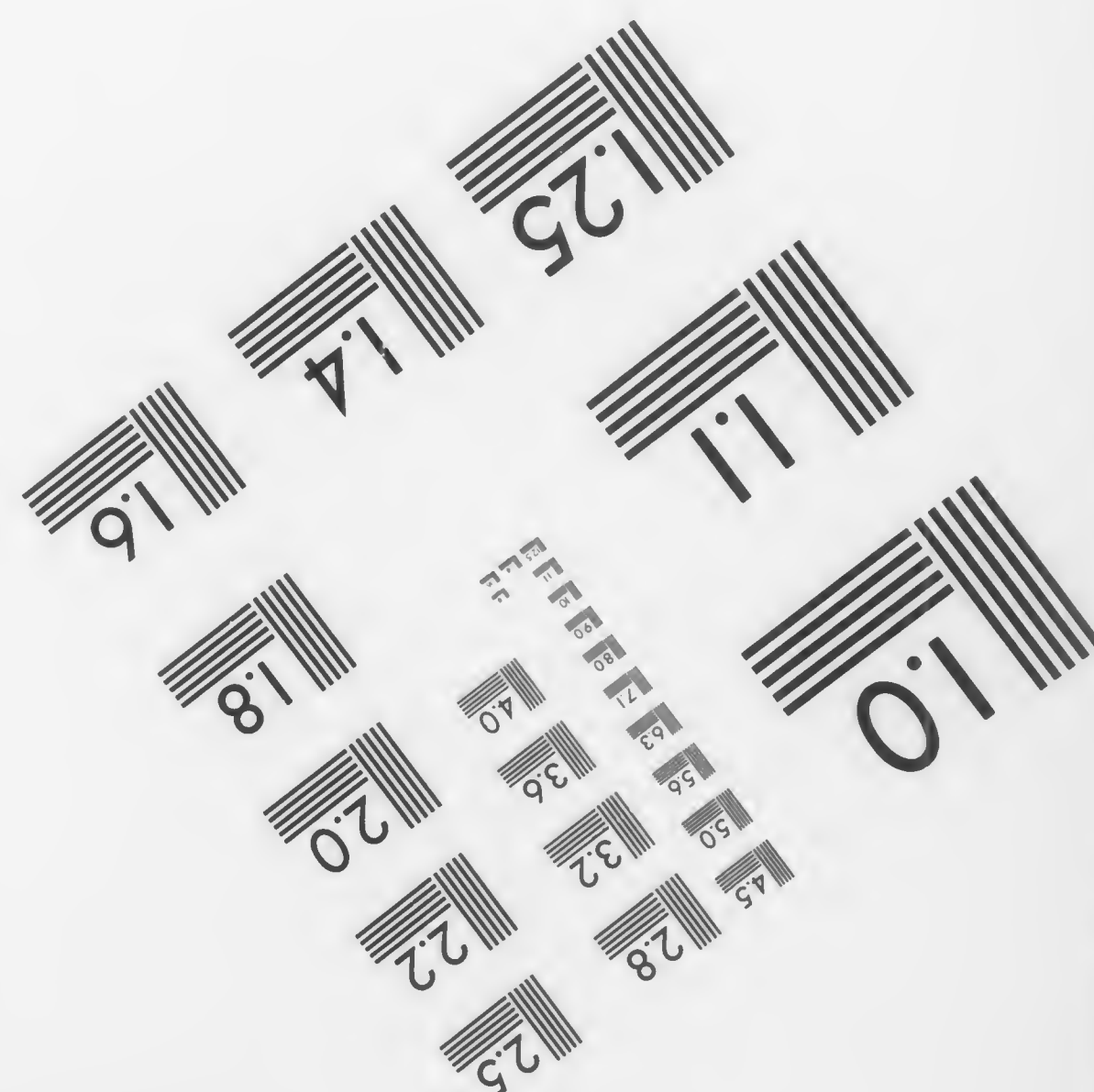
Centimeter



Inches



MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.



**Los Angeles,
University of California**

Louise M. Darling Biomedical Library

**History and Special Collections
Division**

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

**For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:**

**History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.**

*Ms.
coll. Persian medical manuscripts. -- ca.
no.60 1100-ca. 1900.
RARE 150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part
of a National Library of Medicine
preservation project: the preservation
master negative is at NLM; the printing
master negative is at the University of
California's Southern Regional Library
Facility; a positive copy is housed in
the UCLA Biomedical Library's History
Division.
Formerly a part of: Near Eastern
manuscript collection, Dept. of Special
Collections, University Library,
University of California, Los Angeles,
and assigned accession no. 1117.
Transferred to the History Division
of the UCLA Biomedical Library in
CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll. Persian medical manuscripts. ... ca.
no.60 1100-ca. 1900. (Card 2)
RARE March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed
list available in library: Richter-
Bernburg, Iutz, Persian medical
manuscripts at the University of
California, Los Angeles : a descriptive
catalogue (Malibu : Undena
Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts,
Medical. I. University of California,
Los Angeles. Louise M. Darling
Biomedical Library. History and Special
Collections Division. II. Series: Near
Eastern manuscript collection ; no.
1117.

CLU-M ejf 891113

CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 101

(Richter-Bernburg No. 211)

Author: Anonymous

Title: [Noskhejāt]

20 fols., 88 x 155 mm (jong)

ДОЗНАЕЧЕНСКИ

БРАТЪВ

МА

BLANK PAGE

و چون نخته شود از میان خمیر پیوسته
 آورند و رویش را بتراشند و چهار مثقال
 مغز حشم با همین اجرا بگویند و از دار
 بیرون نمایند و هرگاه حشم چهار مثقال
 باشد و از فلفل هم باید چهار نخود باشد
 ترماک مره ماد
 نخود چهار نخود
 مقل ازرق و عصاره مجموع را با
 شکر و بعد از آن که گویند باشند ۹۸
 سوزن زنند و بر بالای کاغذ
 و نکته را خودش کنند شود

چشم داخل سرکین ماده

کرده بپوشانند و بعد پوستش را

بگیرند و خشک نمایند و همسر معزم

با دام کف دریا و بر این خود تریاک

و قهوه قزاق که بیشتر باشد مجموع را بگویند

و از دارایی بیرون نمایند و بردید

چشم ^{مورد} کل کاسی ناسفته نیم است ^{مورد}

تریاک ^{مورد} مجموع را گویند ایدارایی بیرون

نمایند و در چشم بکشند اما ایندواجت

در چشم نیست که بسیار شدت داشته باشد

کرباز نرگاد ملک ازرق مره

کرنک پی عافی حد واد شورو

زوده نیم مرغ کا عدا بی سوخته

زرمیاد زرمیاد آب

نسل

هفت حرف داده نوبال

نک سنگی حد روا

نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا
نک سنگی حد روا

غضاب که . حرام مغز غضاب طلع
نیمس . پنج اشار . هفت اشار

روغن آرام کوب و با روغن کدو
سم اشار . نیم اشار . نیم اشار . چهار مثقال

غضاب سرب نیشترم کل حمر سید
ده مثقال ده مثقال ع سعال

اب بسیار کم بوشن بایند حرم مغز اب بهشت

بوشن بدهند چون اندک صفت شپوش

را بکند مغزش را بیرون بپارند خوب لب

صفت بعد از این که در آواز بپوشد

صفت بهشت من بعد که خون رو بهی

بپارند و خوب لب کنند و لحد او را

بیرون بپارند و فر صلیب بپارند

شاورا در افت ب بکسل که سکامند

در شوزه جام و س

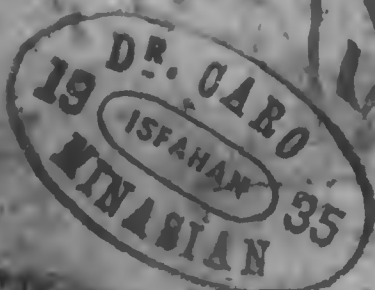
در شوزه جام و س

در شوزه جام و س

در شوزه جام و س

در شوزه جام و س

در شوزه جام و س



اگر زخم در اندرون دهان و صحن
 بهید و داغ کنند بایل که از دوا ^{سری} باشد
 لافور کشند کسریخ داروی سبز طیار
 شمع ^{اول} ششم کوشه پوست هند و از کوشه
 اندزد و چشم اگر کف دریا ^{اول} آید
 ریش بر جان هر برادر و برادر همه فاک خورده
 بکارد اکوبیده بر هر پخته با عرق کوه و در کوه
 جوشیده عطر کرده میله بر گشت طیار کرده
 بگذارند خشک شود و در وقت داغ کردن کی
 ازان میله را در نزد یک آتش بگذارند که فرزند
 شود پس در میان مائوره کرده همان موضع زخم را

کافی و بیهوش کند و بپوشد
 داغ بقیه بر آید و اگر بر کاهری نباشد با نقد که
 موضع بقیه بر آید حاجت نباشد و اطراف
 دکلوراهم داغ بکشد بکمرته صبح و بکمرته عصر
 در غنای که حرکت کرده باشد و ناگوشد
 باشد بعد از داغ فضا آدمی را بپوشد
 فاک خورده داخل دواهای میل نموده بر زخم
 باشند و بره پنبه عرق کوه در تر کرده و
 بر موضع که داغ کرده باشد اگر زخم در برود
 مثل داغ و روی و بر بدن باشد بعد از داغ
 و بپوشیدن دارو پوست سبز با آب است
 تر کرده بر جای داغ نهند و اگر زخم دهان و

کو جزید شد کف سرخ و کف سرخ

طباشر را خوب کوفته و پخته بر زخم بپاشند و از

دوامی که جبهه داغ نوشته شده بپاشند و قدری

کو کرد داخل آب نموده با قدر از داروی بخورد و اگر

زخم بسیار است باید تا چهل روز برهنه کند و از نمک

و سر و باز و گوشت دروغش نزد بخورند و غذا

کسبهای و برشته و نان بی نمک و کله پد دهند و آن

و نه بخورند و اگر زخم جبهه باشد نهد روز برهنه است

بدان میانش خالی کند کز تنگین علف شش

شخم شود و نیات رود علی باور انچه

در صا که گو سر به لا محکم کرده در زیر

السن در روز کند در صا

5

لکریند بعد در صا دیک انداخته باروغن

با دانه و صو یا بخت کوه حب نمایند در

روز رسم کار و نمایند که دیک مغز مازو

و همان کلاه خیسانه و جف خوشانند

کنند از تار و شود بعد غماق رویش

گرفته با مغز شخم شود با هم در صا لکریند

بعد مغز مازو و تار کرده در صا این کرد

بغلانند در دانه دیک مغز مازو دانه

شفت التو تک جفته خاک شتر زهره کار

دل و ده نام جزو پیده پاسترنگین علف

از پس کار فرموده ¹⁰ از جهت درد کمر خم شود
سوداده باطل با نیل هم کوبیده باز زده تخم
در کمر جبین خوب مالند بعد سرد دارد
بار دیگر بهیچ در کمر انداخته جبین در کمر
آب شکر کلم و آب رگ کشنده و آب برگ
سگور یا خم شود کمر و نبات کمر بکن و شربت
مایه کوبیده و در صفا این آب غدر
روغن بادا و کمر ریخته بکوشاند حب کرده
در رسم چغندر کار و صابون دیگر کیم کاجیه
یا کمر بکن علف اغصاب تخم شکر مایه بکوشاند
و غدر تخم کتان داخل غصه بار و روغن بادام
در کمر ریخته و مالند و در کمر بکوشاند
سودا شکر و نبات سسین کرده بنوشد
عرق اسفودر که کمر صده بکوشد
از حوضه و کل روح کشنده داخل غصه
در همان دنگ بکوشاند و صبر که سر و غن
آه همان روغن و در کمر مالند و زنده
و پارچه از روغن در بدن و کمر بند
زفت و مالک و بخت در کمر ماس مال
رشد انداخته در کمر بند و صبر که
که بر و اسد از همان روغن مالند
ماش و تخم و کمر جدا جدا تف داده
و بعد کوبیده باز روغن بادام و تخم داده
و صبر که تف خرد و مال و بکوشد و تف

دقتی که دروغن آنکه مکر کیز و زور را گویند

12

دک که با این نکرند و آن خلوات و زور را شتاب بخورند و
زیتون هم با سبزه پاز سفید از کشت دانه شفتالو دانه زرد
دال و تخم لایز و زانند و بگویند دروغن زیتون را مالایا سی کند
و کرم شود و عوم با سبزه را در میان انداخته تا او شود بعد از آن
بگویند با دانه لایز میان آن رخمه حب سازند در میان
سپاه کرده کار فرمایند

سخت شفاف حقه الفی امراض

شیرخت بندخت رکن کرکشی کرکشی عقیق مات

مقل ازنی شریع رباب چشم انداخت صبر درو

صبر سام فریاد زرباد پنج شمشیر دهره کا و یک کف

سویکیان جویون دیشه حرم کماه اکلیل الملک

در دیشه حرم کماه اکلیل الملک

7

دانه شفتالو دانه زرد الو دانه کدوس دانه فوس

بادام تلخ بادام ترش دانه فندق دانه عقیق

حاکر کتخ مور دانه نارنج مهل ملک کارد

فراخروت پنج کبر خیار کبر صابون پنج الا

این نمون مطار رکب

این نمون مطار رکب



این نمون مطار رکب

این نمون مطار رکب

13

کل سحر کل کل در کعبه است
 یک استار یک استار یک استار
 آب به خود قناری صید خید مصطکی
 بنجاه شمال شمال شمال شمال
 شنبه الطب اسارون ساسه سادج
 شمال شمال شمال دو شمال شمال
 جوش بنده صاف کرده بعد مصطکی و طباشر
 کل و خشت فادر هر مر و ارد با قوت
 شمال شمال دو شمال دو شمال
 کبریا سادج نرم ساسه از سنگ کاف
 شمال دو شمال
 کدرائیده با ورق طلا و ورق نقره در آب
 دخیل کرده بر هم زنند قدر خوراک از شمال
 ما شمال بنوشند با آب است و خاکستر
 دو شمال

کلزارکت فوفل جفت رنگار رهمو
 صوب حشر مر و ارد غدی سوخته جو سوخته موی
 سر حوان سوخته اما زوی سوخته خون سیاوش
 لوتیا قلم مرغ سوخته گوشت سوخته داروی
 کشته حشک پوست پلید زو شاخ کا و کوزن
 نمک بریان پوست انار شحرف سادج
 برکت سحر زهر کد ام کیمشال طباشر دو
 شمال سماق شک و شمال مجموع را کوفته
 و بخته برین دندان بپاشند سنون دیگر
 از زخم دندان فوفل مار و پوست پلید زو
 کیز مارح امله مقشر خون سیاوش کلزار
 کبریا طباشر قرمز زهر کد ام کیمشال کوفته
 و بخته برین دندان بپاشند

18

کسر حکمت لوسته بود و در
 از هر کدام بحال خولجین دو سکه بود
 کمال زیزه کر ^{مجلس خوراک سال}
 نسخ قرص که باب مروارید کوفته باغ
 سر کوهر سوخته پوست کج مرغ سوخته صمغ
 از هر یک دو مثقال کسر یک بریان خنک
 کلنا از هر یک سه مثقال کوری سوخته بزرگ
 از هر یک بحال کوفته و بخته بالغاب افزون
 قرص سازند خوراک بحال ناک برک
 بارنگه این دوا بنویسند قرص دیگر که از
 بزمین نافه نافع است کرد صمان کج مورد
 کرمانج کل از من شکر بریان کرده بلوط
 عقل از رقی بولت انار باز و از هر یک
 دو مثقال کوفته و بخته بالغاب برک مورد

19

قرص سازند خوراک بحال
 قرص چهار جهت ^{شش افاق صمغ کله}
 کرمانج بلوط برنج شکر بریان کرده در بریان
 کورده از هر کدام کمال کوفته و بخته بالغاب
 کورده شکر بارغان شکر مروارید خرم در بلور
 خوب صفت بلوط یاز و سوخته خون سرد
 طاهر از هر کدام کمال کوفته و بخته بالغاب
 کورده شکر بارغان شکر مروارید خرم در بلور
 مار و کندر بولت انار دانه خرمایی سوخته اویم
 صفت بلوط نونال مس دانه علف سرانی در
 شراب شکر از هر کدام کمال کوفته و بخته بالغاب
 و بخته بالغاب به کورده شکر بارغان شکر
 مروارید و در ایام ^{قوزک}
 عوارضه بسیار و از هر یک کوبیده بر بزمین نماید

19

مازو کندر لوست امار کلنار و امار لمانی
 لومان نخاسی صغیر برین صفت بلوط و از علف
 شران در شراب صفت از هر کدام یک شعله
 کوفته و بخته مالک علف کوشتر مجر کرده ششم
 بار با این عشته در وقت حاجت بنم صفت
 ششم بکار دارند دواي دیگر مرکب آب
 ششم مرز کوشی صغیری کندر از هر کدام یک شعله
 لوست از هر کدام یک شعله و امار کلنار و امار لمانی
 مالک به مجر کرده مالک بکار دارند دواي دیگر
 شکر سرکه مازو اشیاء صفت از هر کدام یک شعله
 کوفته و بخته مالک مورد سرشته مالک مازو
 مان عشته بکار دارند و موضع را مالک کوشتر
 ششم و ششم باره را با این مالک بکار دارند
 دواي دیگر حورامقشر کرده و بخته صاف کرده

عسل و حل کرده از این عشته عايد و دیگر
 حله را عايد با عسل حقه عايد و دیگر
 مایه حوکوش را هرگاه بکارند حید مرتبه و سائیده
 مالک باره مان عشته بکار دارند و دیگر
 مالک عسل عايد مالک کمر کرده نمک سرخ دارند
 ششم امار را هرگاه کوبیده جوشانده در آب و
 صند دفعه بنشیند مالک موم روغن که از
 جهت تب سوزان و درد سینه هرگاه مالک دفعه
 موم صند بخیال در میان سه شعله روغن کل سرخ
 که خسته است که مالک خیار آب برک خور آب
 برک بید آب برک خیار در انجیان رکبه
 کوشانند و بر هم زنند مالک کوردی سرود و سرور
 موم روغن دیگر از جهت ترکش و باد و ملاهی
 اعضا بید بر جمل موم صند از هر کدام یک شعله

کتاب پنجم همدانه لعاب اطهره
 این همدانه را که همدانه داخل کرده
 آنها را که رود و مالند جهت دفع بد بوئی
 زیر بغل و کبج را آن صندل و صندل الطیب
 سلیقه مرصاف کل سرخ کافور کوفه و بجنه
 مالکلاب خمر کرده قرص سازند و هر وقت خواسته
 سازند مالکلاب سازند و مالند و در رفع بد بوئی
 انگشتان با نرک سوئی نازه را بگویند
 و نه بندان اما آدونه که مالند بضمق فرج شود
 و اگر گفته هالینوی و هفت منفعت دارد و بادل
 بضمق هم تقویت عشق رجم و گرمی و خوشبوئی
 و اکثر انزال زن و جذب مواد از دهانی و
 و جذب منی هر یک همدانه را با ساسم مزجی

صغر کنند را در خل سرج پوست ابار رس
از هر کدام یک شغال بار و غن کل سرج سرشته بالته
اول رو بر دارند و شب بیرون آورند و دای
که خون بر دارند حجام و ولادت باعث توسیع
نگردد و بکنند دندان آب پوست شغال سم بر
صغر خوز مائل خویشتن موی سر همه را باند
سوخست و بار و غن کل سرشت و در ماهی سه
بار بعد از یک بالته است بر دارند از جهت
براقی و شکوئ ریش و رخ را از رویت را
در زهره کا و حل کرده بر روی مالند دیگر تخم خوز
مغز بادام تلخ حب محلب خاکسرماب کوفته
مالک خمر کرده مالند دوازده بار بر سر بگردانند
بر سر تخم خوزده که نریت کخی پوست دار
نست از هر یک قدر در انزروت منصفی

گرفته و بخت مالک غیر کرده بر روی
 بوزند طریق گرفتن حق جز حلت قوت
 اعراض و تفریح و لطیف خلاط غلبه
 نافع است و باید هر قدر که خوب جنب باشد و
 سر از کل کاوش و بادر کعبه و کل سرخ و کلاب
 و آب کشند و در کعبه اند و بعد از آن کشند
 حق زردک از کعبه قوت دل و دماغ
 و حکم و جمع بدن مناسب است باید بعد از دو
 زردک خوب شده و ریزه ریزه کرده با یک
 ریزه کرده در میان دیک تازه قلعی کرده کل سرخ
 بخ استار دار جز شغاف صندل کشند و
 نگلوب کرده در میان دیک بریزند و بعد از آن
 کشند حب سرفه نشسته صمغ و زرنک

رب السوی حبای عبد از هر یک مساوی
 و بخت مالک ابدانه حب سازند حب سرفه
 سر و مغز بادام مغز کج صمغ و زرنک
 حبای عبد از هر یک یک درم رب السوی دو درم
 اگر دماغ است درم گرفته و بخت مالک افزون
 حب سازند حب سرفه گرم پوست سح از بانه
 بر باد نشانه کفرش رب السوی مغز بادام
 از هر یک مساوی گرفته و بخت حب سازند
 روغن مورد موی مانکه دارد و آنچه رگه باشد
 برو باند بگردان موردی متعال روشن
 زیت و ده متعال و با هم بکوبند تا نزدیک
 مانکه آب برود و روشن ماند و در متعال
 لادن در آن اندازند تا سلاز و قهوه

روغن دیگر که موی را محافظت کند پوست
 پلید کایه باز و برکت موی را از هر یک مساوی
 با آب گندم یکسبب روز و بعد بپوشاند
 و صاف نمایند و بجز روغن کند در آن ریزد
 و در هر صد درم روغن ده درم لادن بگذارند
 تا بگذارد و بعد از سر آتش فرو گیرند و شب موی
 حوب کنند و صبح در حمام بشویند روغن دیگر
 که موی را سیاه و دراز کند و از افتادن بکشد
 دارد ساج هندی عا ماضی کلا دن امل
 از هر یک بخدرم کوفته در نو مشال آب
 بکوبند تا بچینه شود و نو مشال روغن
 کچتران ریزند و بکوبند تا آب سیاه
 و روغن بماند هر روز سر را با آب برکت

حنتر شومند و ازین روغن بمالند روغن دیگر
 که کچ مرغ شور است و بوزه را شور کند
 و در آن روغن کندن سی خد
 مرغ در آن ریزند با ساج اسار روغن ریت
 و برکت موی کوفته و براده آهن صلا کرده
 از هر یک ده درم و سوراخ و بوزه را کرم
 و در کل حکمت کردند و بکوبند در تنور بگذارد
 در فندک برون آردند و کل را از آن جدا
 کنند و با هم نرم زنند و نگاه دارند و در هر
 موضع که بمالند در هفته موی برده اند سنوخته که
 در پلان از حرکت پاک کند بکشد اندرا
 جو سوخته زرد آجر سماق مسخو بنای دی کوفته
 و بخته سنون بزنند سنوخته که بچ در تنور بگذارد

کند و خون رفتن باز دارد شاخ کوزن

بوست هیلد ز نوکل سرخ کلنار از هر یک یکدم

کوفته و بخته استعمال کنند سوخته که دند انرا محکم

کند و خون رفتن را باز دارد بوی دانی

خوشی کند هیلد شا بیلد اکر مقشر کل سرخ

کلنار افاقا شب بماند قرظ طباثر مسادی

کوفته و بخته سنون سازند ددای که رور اکوند

وصاف و سراق کمر داند اگر دوار دماطلا ارد

کود از هر یک یک و عدی مقشر کنرا نشسته

از هر یک نیم و مغز کچ فر نوره دود

سرخ کوزن هر روی مالند و مالند

کرم و جوی سوخته جواهر کرب صند

فوت دهد و تر گرداند سرم صغها افت درم

بعد سیاه و سرم و بیدار و سرم

بعد قد راب چقند و سکه کهنه دو عین کجند

طاهر نمایند جو شایند که باید

بعد فلد قهوه و فلد و بادام

داخل نمایند بعد در شب سردا چوب

حام رفته و قهوه کرام چ رون می آیند باز سر

چوب کند افشانه بدودی خوب میشود

وار کله نارنج سوخته تار جیل سوخته باز و

یک مقال یک مقال یک مقال یک مقال یک مقال

فنا برکت قوۀ مدیح سوخته تنها کات کبود

یک مقال یک مقال یک مقال یک مقال یک مقال

همه را نرم کو بنده مخلوط نمایند هر وقت که بنمایند

بار و غن کر یک خنجر نموده و سرش را بر سر ده

روز در میان بر نش که سر را خوب مفر صی

بزر و در خوب میشود

30
 بمقل اروق ما بهر هده سده کل طی
 چند بهرون اش اندوت اوسا
 باو بهر یک کاه بود ارمی تک بندی
 تریدید شخم خطل شای کل با دیان
 ک کرفی امون هان حوی سعید
 کل معده صبر زرد شان راد صبی
 مر باد قاسنی بهن سرخ و سعید بر مس
 بهر و شان به دشر کسور
 سبلی الطی بوری ن ع فرقه
 کبیر صنی صمغ عرب فوی شبت
 خوردانه بادام ع لب هارو عربون
 فوی و صمغ عرب و مقل اش اندوت
 بهر صبی صبر مر باد قاسنی بهر
 زادر نم کرده باقی دوا را با بهر
 نموده شاف سازند بقدر نکشت میاید

نخچینون چته دندان

ایشه ریش دانده صبر زرد و شاف کادکوی
 ایشه مرغان صبی خون بباون
 سده کوفی سلق ک سده دوس زنده
 کهنار خاری مر دایند یا قوت مر جان
 تا ر جل بوضه قلم مر بوضه فوغل

کل سرین عقیق بوشه شاهانه عقی
 مردار کنگ بیدار برب خروزه
 صنف صدف بوشه گهر زهر
 طاهر خروبه بعلی فاکتر تاک خروبه
 اقا قبا سگ شب صندل بیدار دانه عروبه
 شخرف توتی بیدار براده امین خاکه
 بوط سنج کل از منی بنگ مرمر کف زرا
 بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار
 بیدار بیدار بیدار بیدار بیدار

پوست بچ کرفس پوست بچ رازبانه بچ زرخ
 نفاع از رخ سنبل پوست بچ کاسی پوست بچ کبه
 کل کف سورجیان روغن خود بدن
 غانت شجاعی باداور کاشم بچ بنفشه
 اصل الوس لک منقر و منقر بعد ز قوام
 داخل کند مصطک خود قاری صندل بیدار
 در باران بکوفه بکنت بآب بچ نند بعد
 جوش نیده صاف کرده نبات و زرده پتار
 داخل کرده بقوام آورند طریقی کش میدان
 دین شربت هر روز بچ منقش از بی شربت با

34

داخل یک فنجان عرق کوبان کوه

سه ای هر درید ربع می یا قوت ربع می

کل داغستان نیم سحر سبید برویش

پاشید یکم قهوه دومه داخل کوه بنوشند

لصا دوا ای دیگر ضارنی با بونه سد اب

او قوه باب جوشانیده بعد روغ دینه داخل

کوه جوشانند تا اب بوزد بعد علف همینه

با بونه سد اب باب جوشانیده روغ با دام تلخ

داخل کوه به بندند چار خطه با بیان خطه

عرق سد اب جوشانیده تا بده رستار

اید بعد بنوشند اشته تاج رست

شربت استخوان دوش که منفع و ملین و سهل

سودا و نیم و صفر کت و دماغ قوت

دسینه و جگر و معد و امه تراغ رست

و باد نار را بشکند و درم رحم و بر طرف کند

استخوان دوش کل بنفشه کل کجانی

کل با بونه روغ ازخ شخم ضار شخم کانی

شخم کوش با دیان شخم کتان زنبون

شخم کرفس کل کف عتاب سبستان انجر

بنج بیان بنج کاسنر ح کرفس بنج کبه

35

دو بار مذکور است در سه گانه آب گرم

کند و صبح و شب بنده صاف شود با شربت

ترنجبین شکر سفید بقوام آرد و در ده

مجموعه مشور اضافه نموده و زده و مفصل

باب اولوی را و عرق کاسنی بخورند

و هر روز با آب از غرطارت بگیرند

بلکه از غرطرا بچون کنند و در طبیعت کوه

تاتاری و در میان آب مذکور نشینند

و بعد از آن مفضل از رقی مملو نمایند

اسق صبر با روغن و زیتون که در تمام روز

روغن کچالو با روغن کنار و صندل

صل کوبیده است مدافع باشد پوست

جهت بواسیر و شب ربع در زیر زانو

کند ناف است حکم کوبیده طبیعت او

سرد و خشک است که در شراب

بپزند و در کفش صفا کنند و در کفش

ناف باشد و جمع خند کند و صلایه کند

بصل و شراب در چشم کنند سیری

با صره رانده کند و اگر استخوان دور از

فخوره کند بواسیر زایل شود و اگر کای

که فرج زان را کرم و خشک و شک

و خشک بوی کسر دارند است رو باه

نوشته سم بر نوشته سم غر نوشته ماله
 سرطان نوشته به صبح نوشته بهتری
 از هر یک دو درم و دو به را کوفته بخفته
 بروغ با بونه حل کرده بکوه دارد
 بوقت اصباح اندکی در بنده بایشم
 پاره بچیده فروخته نمایند در ماهر
 دهنه باید باین دروغ حل کنند فایده بسیار
 بیند و مجرب است نوع دیگر عرق
 عصاره الحبه القلنس در هر کی و درم
 در نیم من شراب صوف بپوشانند

20 و صاف کنند زن بروی نشینند
 و شکر و شوی کرد و روغ دیگر
 مازوی سه نوشته و اسحق نوشته و در بنجان
 شک بپاشند و آب بهی و کل آب
 غیر که بچرخ سازد و پیش از من بپزند
 فروخته نمایند با مرغی بپاشند و تا بکوه
 است جابر شدن شکم افزوده را
 داده و شسته صاف نموده بنشیند
 سه انج عدد سر صوف عربی هر سه دارد
 نف الیوه سلاه بنویسد باین بالای

در دشت و کلی بار و کشته ها و سرور و بخت
 هر سه را هم خوب کلاه نموده بیا لای
 لعاب انداخته تا سه چهار روز بماند



که هیچ دار نموده است

بسم الله الرحمن الرحيم

اِنَّ فِرْعَوْنَ ذُوْهُمَانٍ

وَالْبَيْتِ جَمِيعًا فِي

الذبح

اورید و در دست

THE LIBRARY
 OF
 THE UNIVERSITY
 OF CALIFORNIA
 LOS ANGELES







END OF REEL
PLEASE REWIND

